

پیشرفتهای علمی ایران، دروغ یا واقعیت

گفتگو

صحبت از انتخابات خرداد ۱۳۸۸ بود و موج عجیب ناشی از نحوه انجام آن که در سراسر کشور پیچیده است، گفتم: تقلب، یعنی عملی قبیح در کارها، مخصوصاً نادرستی، ناجوانمردی در امور مملکت و عملی سرزده از آدمهایی زبون... گفت: چرا مبالغه می کنید؛ این هم نوعی زندگی و عملی از انواع دیپلماسی است و تمام اهل استخبار هم مرتکب می شوند.

گفتم آنها روزانه صدها اختراع و وسیله راحتی و سرعت هم اختراع و ایجاد می کنند مگر ما مقلد آنها هستیم؟ گفت نود درصد آن نوآوری ها تسهیل و ترویج کننده فعلیهای حرام و مبنی ارتکاب معصیت هستند. گفتم: اما ما نیز از کشف و اختراع آنها استفاده می کنیم... یعنی از قافله عقب نمی مانیم گفت: استفاده ها تصحیح کننده اقدام و مایه ترویج مشروعیت آنهاست.

گفتم: بلاخره تعریف تقلب و این که تاثیر آن در کارهای گوناگون چه ها می تواند باشد معلوم نشد.

گفت: تعریف و فهم آن در مسائل سیاسی و تشخیص درست و نادرست خیلی ذکاوت لازم دارد

گفتم: اما ما این عمل و دروغ گفتن را از معاصی کبیره می دانیم. حساب کردن آرای یک نفر به نام و حساب دیگری هم نوعی سرقت مهم محسوب می شود. گفت: از خیلی بیشتر باید در طرز تفکر خود تجدید نظر می کردید. تقلب توانگر کند مرد را. گفتم: بالاخره توجیه تقلب در آرای ۴۰ میلیون رای دهنده و به طور علی الحساب کشف شدن حدود چهار میلیون تخلف کسی را قانع نکرد.

گفت: این سه چهار میلیون در کل نتیجه اکثریت و نام برنده تاثیری ندارد. گفتم: این عدم تاثیر قبل از قرائت تمام آرا به نحو صحیح چگونه معلوم شده است؟ گفت: مثل همه مسلمات و واقعیت های روز؛ زیادی مته به خشخاش بگذارید که بیشتر عقب می افتید.

گفتم: خیلی دلمان می خواهد نصیحت را قبول کنم اما... خدایا نمی توانم... نمی توانم.

لای پنجره را کمی باز می کنم، از کوچه و خیابان مردم جوینده حقایق همچنان پیرامون این سنووال و جواب فریاد می زنند:...

آورده اند که نوشیروان عادل را در شکارگاهی صید کباب کردند و نمک نبود. غلامی به روستا رفت تا نمک آورد. نوشیروان گفت: نمک به قیمت بستان تاریخی نشود و ده خراب نگردد. گفتند: از این قدر چه خلل آید؟ گفت: بنیاد ظلم در جهان اول اندکی بوده است هر که آمد برو مزیدی کرده تا بدین غایت رسیده. «گلستان سعدی، باب اول»

آری بنیاد ظلم چنین است، دیوار دروغ و تقلب هم. این دیوار اندک اندک ارتفاع می گیرد وقتی بلند شد سایه آن به پیرامونش گسترده می شود. آن هنگام است که آثار مخرب آن در زندگی روزمره ظاهر می شود و مبادا که چنین گردد.

یکی از مصادیق تقلب و دروغ که در سال گذشته تشتش در میهن ما از بالای بام به زمین افتاد و کوس رسوایی آن به صدا در آمد تقلب و دزدی علمی است.

سالهاست که هرگاه به بخش های خبری رادیو و تلویزیون ایران و یا مصاحبه ها و گزارشهای مسئولین حکومتی توجه می کنیم از پیشرفت های کشور در عرصه های گوناگون باخبر می شویم و چندی است که در این بین اخبار مربوط پرچم دار و پیش قراول فعالیت های علمی و سرمدار تولید دانش بوده و از طرفی دیگر استانداردهای زندگی مردمان آنان نیز بالا تر از سایر مردم جهان است (البته اگر کسی منکر این موضوع نشود و استانداردهای زندگی ایرانیان - از بهداشت گرفته تا بیمه ها و امکانات رفاهی و وضعیت محیط زیست و... را از آنان بالاتر نداند! که امروز چنین ادعایی بعید هم نیست !!!).

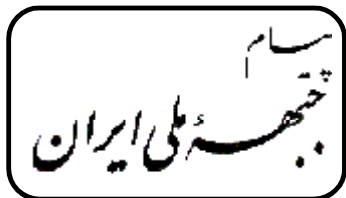
امروزه در ایران دهها هزار نفر متخصص در دانشگاه ها و مراکز تحقیقاتی مختلف مشغول به کار هستند. هر چند که بسیاری از آنان به ناحق در موقعیت خود قرار گرفته اند و با استفاده از سهمیه ها و رانتهای گوناگون ظاهراً متخصص و محقق شده اند اما به هر حال نمی توان منکر دانش و توانایی درصد قابل توجهی از متخصصین ایرانی شد. پس چرا تولیدات علمی این خیل عظیم تحولاتی را در مسیر زندگی مردم به همراه نداشته است؟

جدا از اشکالات ساختاری مراکز علمی کشور، برنامه ریزی های غلط و غیر واقع بینانه و همچنین نبود طرح مشخصی برای توسعه علمی پایدار، متأسفانه در حال حاضر جامعه علمی ما مبتلا به بیماری دیگری نیز می باشد، بیماری دروغ و تقلب که طبل بی آبرویی حاصل از آن در کوئی و برزن عالم زده شده است و حتی آش چنان شور شده که علیرغم تمام محدودیت های خبری در رسانه های داخلی نیز عده ای به آن پرداختند قصه از آنجا آغاز شد که در مقاله ای در مجله مشهور «نیچر» موضوع سرقت علمی یا «پلاجیاریسم» مورد بحث قرار گرفت و در کمال تأسف نام کشور ما در صدر بحث به میان آمد در آن مقاله به برخی از مقالات منتشر شده از طرف محققین دانشگاه های تهران، شیراز، مشهد و... با ذکر نام نویسندگان اشاره شده که متأسفانه اقدام به سرقت علمی نموده بودند. در این بین نام یکی از معاونین سابق رییس جمهور نیز مطرح شد و مقاله ایشان که حداقل چکیده آن کپی برداری کاملی از مقاله دیگری بود نیز قید گردید.

امروزه برای بسیاری از آنانی که از نزدیک دستی بر آتش فعالیت های علمی در ایران دارند مسلم است که جدا از دزدی های علمی به عمل آمده، به دلالی مختلف نتایج اکثر تحقیقاتی که در کشور صورت می گیرد قابل اعتماد نبوده و فاقد ارزش است. علت این امر جدا از کم سوادی و خود بزرگ بینی برخی محققین ریشه در ناامیدی و بی تفاوتی برخی دیگر دارد و البته برنامه ریزی های ناصحیح و نابخردانه دلیل اصلی موارد فوق است.

اما ادعاهای بعمل آمده از طرف مسئولین دال بر پیشرفت های فوق العاده در زمینه های علمی گوناگون و برنده شدن جوایز مختلف آغشته با بزرگنمایی های بسیار و اغلب بر پایه گزارشات دروغین است و صرفاً به منظور سرخوش کردن افکار عمومی داخلی می باشد. متأسفانه تبلیغات به عمل آمده پیرامون این موضوعات کار را به جایی رسانده که امروزه بسیاری از ایرانیان (و بعضاً حتی فرهیختگان جامعه) باور کرده اند که واقعاً چنین پیشرفت هایی رخ داده است.

داریوش اول پادشاه هخامنشی آرزوی بدین مضمون برای سرزمین ما دارد: «خدایان این کشور را از دشمن، خشکسالی و از دروغ محفوظ بدار.» و چه داعی که پس از بیش از دو هزار سال هنوز به استجاب آن سخت نیازمندیم تا شاید سایه دیوار دروغ چه در زمینه پیشرفت های علمی و چه در مورد انتخاباتمان که بر میهن ما گسترده شده قدری کنار رود تا میزبان حقیقت شویم. چنین باد



نشریه داخلی پیام جبهه ملی ایران

با یاد

دکتر مهدی آذر و اصغر پارسا

www.jebhemelliiran.org

E-mail: hejmi85@yahoo.com